

## درآمدی بر موسیقی مردم‌پسند

• نجمه حاج‌رجبعلی

دهه آخر قرن بیستم دهه انقلاب در نشر، کتاب‌ها و مقاله‌های علمی مطالعات فرهنگی بود.

انبوهی از این کتاب‌ها و کوشش محققان بر این بود که این حوزه نوظهور را معرفی کنند و جایی را برای این مطالعات «فرهنگی» در رشته‌های علمی دست و پا کنند. اما با این همه، مطالعات فرهنگی

همچون میهمانی ناخوانده در میان رشته‌های علمی منزلتی مستتر یافته است.

مصرف، خرید، آشپزی، زنانگی، مردانگی، مد و زندگی روزمره، مجلات عامه‌پسند، سریال‌های دنباله‌دار تلویزیون و فیلم‌های هالیوودی و بالیودی و موضوعات نظیر آنها، مباحثی هستند از دلمشغولی‌هایی که از حوزه مطالعات فرهنگی به‌شمار می‌رود. خلاصه بسیاری از چیزهایی که تا دیروز توجه کسی را جلب نمی‌کرد، امروزه پدیده‌ای فرهنگی و شایسته تحقیق تلقی می‌شود. یکی از دغدغه‌های حوزه مطالعات فرهنگی، موسیقی است. نگاهی کوتاه به تاریخ فرهنگی موسیقی نشان می‌دهد تنها در قرن بیستم است که موسیقی با چنین گستردگی وارد زندگی روزمره مردم جهان شده است. در این روزگار است که موسیقی جزء فرهنگ عامه شده و اهمیت بسزایی پیدا کرده است.

اداره کل پژوهش‌های رادیو طی بحث‌ها و بررسی‌های مفصل و کارشناسانه کتابی به نام درآمدی بر موسیقی مردم‌پسند به چاپ رسانده که شامل یازده فصل می‌باشد، که نویسنده در فصل نخست به تعریف این نوع موسیقی (مردم‌پسند) پرداخته و اذعان می‌دارد که مصرف روزمره موسیقی مردم‌پسند سبب شده است که از تلقی آن به‌عنوان هنر پرهیز شود. قسمتی از این بخش را به بررسی موسیقی مردم‌پسند در جوامع غربی اختصاص می‌دهد و سپس به بررسی این نوع موسیقی در کشور خودمان می‌پردازد. در بخش‌های آغازین مختصری از تاریخچه و نقاط عطف و تأثیر آن بر جریان‌های اجتماعی و فرهنگی را بررسی می‌کند و سپس موسیقی آفریقایی، آمریکایی، جاز و انواع آن و همچنین موسیقی‌های دیگر را توضیح می‌دهد.

در فصل‌های بعدی رویکردهای نظری در موسیقی لحاظ می‌شود و همچنین مخاطبان و شنوندگان موسیقی بررسی می‌شوند و در بررسی‌های انجام‌شده به جوانان که نقطه تمرکز بررسی‌های مربوط به مخاطبان موسیقی مردم‌پسند هستند پرداخته می‌شود. به‌رغم اینکه موسیقی مردم‌پسند مخاطبان بیشماری در میان همه گروه‌های مردم دارد، جوانان را به عنوان مهمترین گروه مورد توجه قرار می‌دهد. نویسنده، سپس به بیان نظرات کارشناسانی چون آدورنو، رایزمن، هال، هبداچ و دیگران می‌پردازد و در ادامه فرهنگ، صنعت، تولید فرهنگ و... را بررسی می‌کند. نویسنده در ادامه سؤالاتی را بدین ترتیب طرح می‌کند:

آیا رابطه‌ای بین جنسیت و مصرف موسیقی مردم‌پسند وجود دارد؟ تأثیر موسیقی مردم‌پسند بر هویت جوانان چیست؟ آیا می‌توان گفت که برخی از سبک‌های موسیقی زنانه هستند و برخی مردانه و اگر چنین است کدام سبک‌ها مردانه و کدام سبک‌ها زنانه‌اند؟

در فصول آخر نگارنده به پیچیده‌بودن موسیقی در ایران اشاره می‌کند و به وضعیت موسیقی و گفتمان‌های رایج آن در ایران می‌پردازد، همچنین گریزی به مداحی پاپ دینی - که در سال‌های اخیر مباحث مختلفی را برانگیخته است - می‌زند. این کتاب با طرح برخی از مفاهیم و نظریه‌ها درکی مقدماتی از این موسیقی فراهم کرده است.

